



مرضیه همایونی

خبرنگار

ساعت ۱۲ ظهر نخستین ماه تابستان بود که مرد میانسال هراسان خود را به کلانتری‌ای در جنوب پایتخت رساند. وقتی با سر و صورتی عرق پرورده نشست، پریده مقابل افسر پرونده نشست، با لکنت گفت: دختر ۱۹ ساله‌ام خودکشی کرده است. بعد در حالی که آب دهانش را به سختی قورت می‌داد، گفت: صبح وقتی دخترم از اتاقش بیرون نیامد فکر کردم هنوز خواب است، من و مادرش هم به سراغش نرفتیم اما وقتی ساعاتی گذشت و او بیدار نشد، نگران شدم و به اتاقش رفتم اما هر چه صدایش کردم جواب نداد، وقتی به بدنش دست زدم یخ کرده بود، فکر کنم دخترم خودش را خفه کرده و به زندگی‌اش پایان داده است.

زمانی که افسر کشیک کلانتری از وی درباره انگیزه دخترش از این خودکشی پرسید، با اظهارات ضد و نقیضی مواجه و بلافاصله تیم جنایی راهی خانه مرد میانسال شد.

آثاری از قتل

با ورود مأموران به خانه قدیمی، آنها داخل یکی از اتاق‌ها با جسد دختر جوان مواجه شدند. در نخستین گام مشاهده آثار کبودی و ضرب و شتم روی بدن دختر جوان حکایت از مشکوک بودن ماجرای خودکشی داشت. از سوی دیگر وجود کبودی روی گردنش احتمال مرگ بر اثر خفگی را مطرح می‌کرد. اتاق به هم ریخته بود و شواهدی از درگیری وجود داشت.

کارشناسان پزشکی قانونی زمان مرگ دختر جوان را حدود ۱۲ ساعت قبل تخمین زدند.

با کنار هم قرار گرفتن این مدارک، فرضیه خودکشی کمرنگ شد و احتمال وقوع جنایت قوت گرفت. به همین دلیل موضوع به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. با دریافت این خبر، بازپرس محمدجواد شفیعی با صدور دستور حفظ صحنه جرم راهی محل شد. پس از ورود بازپرس جنایی به خانه و تحقیق از تکتک اعضای خانواده، اظهارات ضد و نقیضی بیان شد که ظن تیم جنایی را نسبت به واقعیت ماجرا بیشتر کرد و این فرضیه که دختر جوان



صبح وقتی دخترم از اتاقش بیرون نیامد فکر کردم هنوز خواب است، من و مادرش هم به سراغش نرفتیم اما وقتی ساعاتی گذشت و او بیدار نشد، نگران شدم و به اتاقش رفتم اما هر چه صدایش کردم جواب نداد، وقتی به بدنش دست زدم یخ کرده بود، فکر کنم دخترم خودش را خفه کرده و به زندگی‌اش پایان داده است

قربانی جنایت خانوادگی شده است و شاهدان سعی دارند با صحنه سازی مسیر تحقیقات را تغییر دهند، پرنک شد.

آخرین نفس‌های دختر جوان زیردستان پدر خشمگین

ناپدید شدن دختر خانواده

از آنجا که تناقض، ترس و وحشت عجیبی در گفتار و رفتار اعضای خانواده دیده می‌شد، بازپرس پرونده به تحقیق جداگانه از تکتک اعضای خانواده پرداخت. ۲ پسر و سه دختر خانواده به همراه پدر و مادرشان در محل حضور داشتند اما آن‌طور که بررسی‌ها نشان می‌داد مرد میانسال ۵ دختر داشته که با احتساب مرگ یکی از آنها دختر دیگری هم باید در خانه می‌بود که حضور نداشت و هیچ کدام از اعضای خانه نیز توضیح دقیقی برای غیبت او نداشتند تا اینکه سرانجام خواهر بزرگ مقتول مقابل بازپرس جنایی نشست و راز جنایت هولناک خانوادگی را برملا کرد و گفت: ما از پدرمان می‌ترسیم به همین دلیل است که هیچ کدام واقعیت را نمی‌گوییم، در حالی که همه ما می‌دانیم خواهرم خودکشی نکرده بلکه به قتل رسیده و می‌دانیم قاتل خواهرم چه کسی است.

هویت عامل جنایت

او ادامه داد: چند ماهی می‌شود که از شهرستان به تهران آمده‌ایم. پدرم به‌عنوان کارگر فصلی در تهران مشغول به کار شده است، من هم برای کمک به خانواده‌ام کاری پیدا کرده‌ام. شب حادثه از محل کار به خانه آمدم و متوجه سر و صدای زیادی در خانه شدم.

مادرم با رنگی پریده و حالی پریشان به سراغم آمد و از من خواست کمک کنم. پدرم دو خواهرم آرمیتا و آناهیتا را داخل اتاق زندانی کرده و کتکشان می‌زد. دختر جوان گفت: مادرم می‌گفت هر چه التماس کرده حریف پدرم نشده است و می‌ترسد بلایی سر خواهرهایم بیاید. در اتاق بسته بود و با التماس و خواهش از پدرم خواستم در را باز کند، اما توجه نمی‌کرد، من هم مجبور شدم شیشه در اتاق را بشکنم و وارد شوم. پدرم آناهیتا را کتک می‌زد، جلو رفتم تا مانعش شوم در همین موقع آناهیتا از فرصت استفاده کرد و از خانه بیرون دوید. خواهرم آرمیتا



بهنام و حامد با هم دوست بودند و به ما پیشنهاد دوستی دادند. نمی‌خواستیم اما آنها قبول کنیم اما آنها چند بار دیگر هم ما را دیدند و اصرار شویم. نمی‌دانم چه کسی موضوع را به پدرمان خبر داده بود که او هم شروع به کتک زدن و حبس ما کرد. شب حادثه، ما را با تهدید به داخل اتاق برد و در را قفل کرد. قدری عصبانی بود که می‌خواست مرا خفه کند، اما من تقلا کردم و از آنجایی که از نظر جثه از خواهرم بزرگ‌تر بودم حریفم نشد و به سراغ آرمیتا رفت. بعد از اینکه آرمیتا را کتک زد، آن‌قدر گلویش را فشار داد که از هوش رفت، در همین لحظه خواهر بزرگم به دادمان رسید. با باز شدن در من فرار کردم و به خانه یکی از دوستانم پناه بردم.

اعتراف به جنایت

پدر خانواده که راهی جز اعتراف نداشت، گفت: نمی‌خواستم دخترم را بکشم. من ۵ دختر داشتم و باید مراقب کارهایشان می‌بودم، زمانی که متوجه شدم آنها با دو پسر دوست شده‌اند خیلی عصبانی شدم. ناخواسته دخترم را خفه کردم. من نگران آبرویم بودم اما جان دخترم را گرفتم و حالا هم عذاب وجدان زیادی دارم. با اعتراف مرد میانسال به جنایت، به دستور بازپرس جنایی او در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. همچنین بازپرس جنایی دستور داد متهم را برای بررسی صحت روانی به پزشکی قانونی منتقل کنند.

بود چون خواهرم زیر دستان پدرم خفه شده بود.

ناراحت بودیم و نمی‌دانستیم چکار کنیم. پدرم تهدید کرد اگر کسی حرفی بزند ما را هم می‌کشد. گفت باید مرگ خواهرم را خودکشی نشان دهیم.

ما هم که ترسیده بودیم در تحقیقات اولیه مدعی شدیم خواهرم خودکشی کرده است. با اظهارات دختر جوان، مأموران تلاش خود را برای پیدا کردن دختر نوجوان که از خانه فرار کرده بود آغاز کردند و در نهایت موفق شدند دختر جوان را پیدا کنند.

وی که شاهد جنایت بود درباره علت این حادثه گفت: من و آرمیتا مدتی قبل در پارک با دو پسر آشنا شدیم.

بهنام و حامد با هم دوست بودند و به ما پیشنهاد دوستی دادند. نمی‌خواستیم قبول کنیم اما آنها چند بار دیگر هم ما را دیدند و اصرار داشتند دوست شویم. نمی‌دانم چه کسی موضوع را به پدرمان خبر داده بود که او هم شروع به کتک زدن و حبس ما کرد. شب حادثه، ما را با تهدید به داخل اتاق برد و در را قفل کرد. به قدری عصبانی بود که می‌خواست مرا خفه کند، اما من تقلا کردم و از آنجایی که از نظر جثه از خواهرم بزرگ‌تر بودم حریفم نشد و به سراغ آرمیتا رفت. بعد از اینکه آرمیتا را کتک زد، آن‌قدر گلویش را فشار داد که از هوش رفت، در همین لحظه خواهر بزرگم به دادمان رسید. با باز شدن در من فرار کردم و به خانه یکی از دوستانم پناه بردم.

فرزندانی که قربانی می‌شوند

در چند روز گذشته شاهد حوادث غم‌انگیز مشابهی در گوشه و کنار کشور بودیم که در همه آنها دختران قربانی خشم و عصبانیت پدران خود شده‌اند. قتل فرزند در واقع شدیدترین نوع کودک‌آزاری است حتی اگر فرزندان در سنین جوانی باشند. بررسی‌ها نشان می‌دهد

برخی تعصبات خانوادگی و فرهنگی، اختلالات روانی، مشکلات اقتصادی و برخی عوامل دیگر از دلایل وقوع چنین فجایع خانوادگی است. اما آنچه در این میان تأسفبار است، اینکه برخی پدرها با علم بر اینکه مجازات شدیدی- قصاص- در انتظارشان نیست، دست به

این جنایت‌ها می‌زنند و سناریوی تلخ قتل فرزند به دست پدر رقم می‌خورد. هر چند این موضوع ریشه در قانون کشور دارد و با توجه به آنچه در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مقرر است، اگر پدر یا پدربزرگ، فرزند خود را بکشد، قصاص نخواهد شد. اما برخی

انتقادهای بسیاری بر این قانون وارد دانسته‌اند. مطابق قانون مجازات اسلامی در صورتی که فرزند توسط پدر خود به قتل برسد، پدر قصاص نمی‌شود. اما طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی پدر مکلف به پرداخت دیه به وراث فرزند می‌شود. علاوه بر دیه مقرر شده طبق ماده

۶۱۲ قانون مجازات‌های اسلامی چنانچه عمل قتل فرزند باعث رعب و وحشت و اخلال در جامعه شود، محکومیت تعزیری بر قاتل اعمال و به سه تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود. اما گذشته از موضوع مجازات در حوادث فرزندکشی آنچه باید بیشتر مد نظر قرار گیرد، اصلاح

برخی نواقص فرهنگی و تربیتی در جامعه است که باعث می‌شود چنین فجایعی در کشور رخ دهد. به همین خاطر، حتی اگر چنین جنایات و قتل‌هایی اندک هم باشد لازم است با بررسی کارشناسانه و تحلیل آن، راه بر جنایت‌های مشابه آینده بسته شود.